

حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آئین دادرسی کیفری ۹۲

شیده امیرزاده فرد^{۱*}، مصطفی پاک نیت^۲

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، گروه حقوق، جزیره کیش، ایران

shideh_amirzadeh@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، mostafapakniat@gmail.com

چکیده

حقوق شهروندی که عمدتاً از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها سعی در رعایت آن دارند، شاخص مهمی در تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود که نیازمند دقت و توجه لازم دست‌اندرکاران قضایی به ویژه در مرحله دادرسی می‌باشد. فردی که متهم به ارتکاب جرمی می‌شود نیازمند برخورداری از حقوقی است که یک شهروند در حالت عادی از آن بهره‌مند می‌باشد. در همین راستا حقوق کیفری در قالب مواد آیین دادرسی کیفری که متضمن حقوق افراد در مراجع قضایی است اقدام به ایجاد بنیادها و اصولی نموده است که هر یک به نوبه خود، در راستای حفظ حقوق متهم و احترام به آزادی او نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از جمله این اصول، اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها، حق برخورداری از وکیل مدافع و احترام به حریم خصوصی افراد در مرحله دادرسی است و لذا ما در این نوشتار می‌کوشیم تا با بررسی هر یک از این حقوق و اصول پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری، به رویکرد حقوق ایران و تضمینات سیاست جنایی پرداخته و دورنمای جایگاه حقوق شهروندی را در تحقیقات مقدماتی با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تشریح نماییم. بنابراین، در بخش اول این نوشتار کلیات و مبانی نظری تحقیق بررسی شد. در بخش دوم رویکرد نظری به حقوق شهروندی اشاره شد و در بخش سوم به رویکردهای کاربردی به حقوق شهروندی در بستر تحقیقات مقدماتی پرداخته شد. بررسی‌های انجام شده نشان داد که، هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر رعایت حقوق افراد بزه دیده در فرایند رسیدگی کیفری است. بر همین اساس باید گفت که موفقیت در اجرای مقررات جدید نیازمند پاره‌ای از موانع و مشکلات است. زیرا که نخست قانون گذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به ویژه نظام حقوقی فرانسه استفاده کرده در حالی که استفاده از مطالعات مقایسه‌ای سبب چالش‌های فراوانی می‌شود. دوم، جامعه عمل پوشاندن به نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. بنابراین، قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بدون تردید گام‌های مهمی را در راستای حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است و این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست.

کلیدواژگان: حقوق شهروندی، تحقیقات مقدماتی، قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲.

۱- مقدمه

اجرای عدالت کیفری در معنای اخص آنرا نه در قوانین کیفری ماهوی بلکه در قواعد و مقررات شکلی یعنی همان آیین دادرسی کیفری باید جستجو کرد. تحقیقات مقدماتی بعنوان مقدمه واجب فرآیند کیفری نقش بسزایی در این زمینه ایفاء می‌کند. در بیان اهمیت این مرحله همین بس که با صدور قرار مجرمیت یا منع و موقوفی تعقیب سرنوشت یک محاکمه را تعیین می‌کند. لذا وجود چنین مرحله‌ای ضرورتی انکارناپذیر است اما باید به گونه‌ای اعمال شود که ضمن دفاع موثر از جامعه و جبران زیان‌های وارده بر بزه دیده و کمک به کشف جرم و مجرم و ترمیم درست و دقیق عمل مجرمانه، حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع طرفین به ویژه متهم را تامین نماید. از اینرو باید به این نکته اذعان

داشت که توسعه مفاهیم و معیارهای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و مشروع افراد و رعایت تدابیر و تضمین‌های آن در فراین کیفری به ویژه تحقیقات مقدماتی از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی طرفین بیشتر قابل تصور است از بارزترین شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی هر جامعه است، است (رادمهر، ۱۳۸۷)؛ اما در عین حال می‌بایست، به واقعیت‌های اجتماعی جامعه نیز نگریست و به این مساله اذعان داشت که هنوز افراد جامعه نسبت به حقوق شهروندی خود اطلاعی ندارند و در بخش‌هایی از جامعه این احساس وجود دارد که افراد بیشتر از آنچه استحقاق دارند مکلف شده‌اند. زمانی که از حقوق شهروندی در جامعه سخن رانده می‌شود، به معنای رعایت آن نیست و باید رعایت این حقوق از طرف افراد جامعه به ویژه مسئولان آن رعایت شود. برخی درباره مفهوم حقوق شهروندی گفته‌اند می‌توان آن را در مجموع جز مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است و به شدت از نحوه نگاه معطوف به استعداد انسان بلوغ یافته تا توانایی‌های وی و چگونگی شرکت دادن و سهم کردن او در وضعیت و سرنوشت اجتماعی - فردی موثر است. با اندکی دقت می‌توان دریافت که حقوق شهروندی از حقوق بنیادین و اولیه است. بنیادی بودن حقوق بدان معنا است که وجود آن حقوق مایه قوام و نبود آنها سبب زوال شخص یا شخصیت انسان می‌شود. در واقع باید گفت که حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که در صورت فقدان آن شخصیت شهروند شکل نمی‌گیرد و حقوقی که شهروندان دارند جز حقوق بنیادین است و عدول از آنها به معنای نادیده گرفتن شهروند و حقوق آنها است (امیری، ۱۳۸۹). در واقع حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد چیزی نیست که با ارتکاب جرم و جنایت علیه خود یا دیگران زایل شود. به همین خاطر با هدف جلوگیری از سوء استفاده مقامات قضایی و ضابطان دادگستری محدودیت حقوق و آزادی‌های شهروندی قانونمند می‌شود. با نگاهی به قانون اساسی به ویژه اصل نوزدهم تا چهل و دوم به دست می‌آید که یکی از نگرانی‌های نمایندگان و خبرگان ملت ایران، حفظ کرامت و ارزش والای انسان‌ها و احترام به آزادی‌های قانونی آنها همراه با رعایت اصول و مبانی اعتقادی‌شان بوده است. در فروردین ماه ۱۳۸۳ بخشنامه ای از سوی ریاست محترم قضایی صادر گردید که همان بخشنامه، مبنای تصویب قانونی موسوم به قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» شد و مطابق با بند ۱۵ این قانون رییس قوه قضاییه موظف شد که هیاتی را برای نظارت بر حسن اجرای قانون تعیین کند (احمدی، ۱۳۸۹).

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است (زراعت، ۱۳۸۸). حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. همچنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (یعنی نزد بازپرس) به طور کامل متحول شده است. ترافعی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا از هدف‌های مهم قانونگذار در این قانون بوده است. به طور کلی، این نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور تقویت حقوق دفاعی (توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم) و کاهش موارد لطمه به آزادی وی قرار داد (ساقیان، ۱۳۹۳).

۲- ماهیت حقوق شهروندی

تحقق عدالت به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص همواره در طول تاریخ آرزوی انسان عدالتخواه بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری - که هدف هر دادرسی جزایی است - بدون برقراری محاکمه‌ای منصفانه که در آن حقوق و آزادی‌های متهم محترم شمرده شود، هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، بویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است که به طور اجمالی عبارتند از: تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و علنی در دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف، تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر، حضور در دادگاه و دفاع شخصی یا توسط وکیل، مواجهه با شهود مخالف، دادن مترجم رایگان، منع اجبار به اقرار، جدایی آیین دادرسی اطفال از بزرگسالان، منع تجدید محاکمه و مجازات، تساوی افراد در برابر قانون، حاکمیت قانون بر نظام جرایم و مجازات‌ها، منع تأثیر قوانین زیانبار در وقایع گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات‌های غیر انسانی، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، حاکمیت پیش براءت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین‌های

دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زبان‌های وارد بر بازداشت‌شدگان یا محکومان بی‌گناه و حق درخواست تجدید نظر. منصفانه بودن محاکمه مفهومی ابهام‌آمیز است. متون و اسناد بین‌المللی موجود، تحقیقا و نهادهای ناظر بر اجرای آنها، ظاهرا تعریف مشخصی از آن به دست نداده‌اند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۲ در دعوی متعدد با این پرسش اساسی روبرو بوده که آیا مفهوم محاکمه منصفانه، متضمن تدابیر و تضمین‌هایی فراتر از آن است که در بند ۳ ماده (۶) کنوانسیون (بند ۳ ماده ۱۴ میثاق) آمده است یا خیر؟ کمیسیون مزبور بی‌آنکه خواسته باشد پاسخی روشن و دقیق به چنین پرسشی بدهد، فقط به بیان این نکته که «آن چه به طور کلی موازنه قوا خوانده می‌شود از عناصر ذاتی و غیر قابل انتزاع یک محاکمه منصفانه است»، اکتفا کرده است. از نظر کمیسیون حضور نماینده دادسرا و عدم دعوت از متهم یا وکیل او در مرحله تجدید نظر جایی که رسیدگی ماهوی صورت گرفته و حکم صادر شده است، نقض آشکار اصل برابری اصحاب دعوی و نادیده گرفتن منصفانه بودن محاکمه است. همین کمیسیون رد درخواست معاضدت قضایی را در پاره‌ای موارد نقض مفهوم محاکمه منصفانه شمرده است. به نظر می‌رسد در شرایطی می‌توان حکم به منصفانه بودن محاکمه نمود که اصول و قواعد کلی یک نظام دادرسی متری بر جریان رسیدگی حاکم باشد و متهم در شرایطی کاملا آزاد و در حالی که از تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع برخوردار بوده، مورد محاکمه واقع شود. پس هر جا که صلاحیت دادگاه یا استقلال یا بی‌طرفی آن مورد تردید است یا حتی از حقوق متهم نادیده گرفته شده به یقین باید محاکمه را غیر منصفانه به شمار آورد. نکته قابل ملاحظه آن است که مراجع مذکور، حقوق و آزادی‌های شناخته شده در متون و منابع فراملی را به گونه‌ای موسع و محدودیت‌ها و مستثنیات آنها را به طور محدود تفسیر می‌کنند. در هر حال موارد زیر از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر و بعضی از دادگاه‌های داخلی اروپایی، مصادیق تردید در منصفانه بودن محاکمه به شمار رفته‌اند:

هنگامی که دادگاه رسیدگی کننده، اظهارات تند و تعصب‌آمیزی پیرامون متهم و رفتار او داشته باشد؛ به نحوی که تردید دیگران را درباره بی‌طرفی خود برانگیزد.

هنگامی که رسیدگی به اتهام مسبوق به رقابت‌های انتخابی و منازعات مطبوعاتی باشد؛ بویژه اگر مردمان عادی به عنوان عضو هیأت منصفه وارد جریان رسیدگی شوند.

هنگامی که دادگاه رأی خود را بر دلایلی که از طریق شایعه و شهادت از روی مسموعات به دست آمده، استوار سازد؛ دلایلی که ارزیابی و رد و ابطال آنها غیر ممکن باشد.

هنگامی که دلایل اتهام از طریق تظلم بعضی از شرکا و معاونین جرم به برخوردار شدن از معاذیر و معافیت‌های قانونی به دست آمده باشد و چنین دلایلی در دادگاه مورد استناد واقع شود.

هنگامی که دادگاه یکی از دلایل مورد استناد متهم را نادیده بگیرد و به هر دلیل از ملاحظه و ارزیابی آن خودداری کند.

هنگامی که یکی از اصول و قواعد بنیادین حقوقی در مراحل تعقیب و تحقیقات مقدماتی نادیده گرفته شود.

هنگامی که دادگاه پس از استماع مدافعات متهم و وکیل وی اقدام به قرائت حکمی نماید که متن آن قبلا تنظیم و امضا شده باشد به طور کلی، نظام عدالت کیفری، امری عینی و قابل تحقق در خارج است و از این رو، پیوسته و وابسته به یک سلسله مقدمات و پایه‌هایی است و بر اساس این‌ها، تاسیس یک نظام کیفری عادلانه و پاسخگویی به نیازهای واقعی انسان، طی روند خاصی ممکن خواهد بود.

۳- حریم خصوصی و حقوق اساسی مردم و شهروندان

شناسایی، تعریف و تدقیق حریم خصوصی شهروندان در راستای حفظ و رعایت حقوق اساسی آنها، از نکات مثبت قابل ذکر در این قانون است. در همین رابطه، برابر ماده ۵۴ قانون جدید؛ "ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین، بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود، با اجازه موردی مقام قضایی است. هر چند وی، اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد". از اینرو، ارجاع کلی مراتب به ضابطان دادگستری، ملازمه با ورود به حریم خصوصی اموال و اشیاء افراد و بازرسی نسبت به آنها نداشته و انجام هر یک از مراتب مزبور مستلزم صدور مجوز موردی در چهارچوب قانون از سوی مقام قضایی، اعم از دادستان یا سایر مقامات قضایی مربوطه بوده تا از هرگونه تعرض به حقوق و اموال مردم و نقض حریم خصوصی آنها، جز نسبت به موارد مقرر در مجوز موردی صادره، طبق ۵۶ آن قانون، برخلاف ترتیب معموله در سنوات قبل خودداری گردد. این درحالی است که طبق ماده ۱۸ قانون سابق، ضابطین دادگستری در جرائم غیرمشهود مکلف به اعلام مراتب برای

کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی بوده‌اند و تعریف و ترتیب مقرر نسبت به حریم خصوصی مردم و شهروندان در آن، به ترتیب فوق مقرر نشده بود (نجفی، ۱۳۹۳).

۴- حق‌های تضمین‌کننده حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی

حقوق شهروندی در گستره قضایی، جلوه‌های متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به حق برخورداری از وکیل، حق لزوم اطلاع از موضوع اتهام، حق سکوت و حق حفظ حریم خصوصی خود در مقابل دست‌اندرکاران عدالت کیفری، اشاره نمود.

۴-۱- حق برخورداری از داشتن وکیل مدافع

امروزه حضور وکیل در دادرسی به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه به شمار می‌آید. حضور وکیل متهم در دادگاه، از سویی تضمین منافع متهم است و از تضييع اجتماعي حقوق وی جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، فرصت و امکانی که وکیل برای بررسی محتویات پرونده دارد، او را به مشاوره سودمند و همکاری موثر برای قاضی دادگاه تبدیل می‌کند. هر چند در طول تاریخ حقوق، استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی همواره با ایراداتی مواجه بوده است. از جمله بر اساس ماده ۱۸ فرمان بزرگ کیفری اوت ۱۶۷۰ لویی چهاردهم: «متهمان هر که باشند باید به زبان خود سخن گویند؛ بدون حضور و استفاده از وکیل مدافع (آشوری، ۱۳۸۴، ۲۹۵)، اما به تدریج و با گریز از سیستم تفتیشی صرف و گام نهادن در مسیر سیستم اتهامی، متهمین حق استفاده از وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و حتی در مرحله بازجویی توسط پلیس نیز پیدا کردند.

الف: حق داشتن وکیل

نظر به اهمیت نقش وکیل در دادرسی‌های جزایی، در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق داشتن وکیل به عنوان یکی از حقوق اساسی متهم در دادرسی مورد تأیید قرار گرفته است. وکیل به معنای واقعی خود، کسی است که وکالت و نیابت اشخاصی که مسلط و آگاه به قواعد حقوقی نیستند را می‌پذیرد و در غیاب آنها از حقوقشان دفاع می‌کند. حق داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است. الزاما شرکت وکیل در دادرسی متعدد است؛ از جمله وکیل با استفاده از دانش و آگاهی از موازین قانونی و حقوقی باعث تسریع و تسهیل در امر رسیدگی شود. همچنین حضور وکیل باعث سرعت و دقت در رسیدگی و عملکرد خوب مقامات قضایی شده سبب ارتقای علمی دانش حقوقی دست‌اندرکاران قضایی می‌شود. از طرح دعوای بی‌اساس و واهی به طور چشمگیری جلوگیری می‌کند و باعث خواهد شد که دعوی و شکوائیه به روال قاضی در دادگاه طرح شود. باعث قوت قلب، رفع اضطراب و اطمینان خاطر متهم در پاسخ به اتهامات وارده می‌شود. ضرورت تقسیم و تخصص ایجاد می‌کند که کار به کاردان در جهت دفاع از متهم سپرده شود.

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها در شق ج بند ۱ ماده ۷ نیز اعلام می‌دارد: حق دفاع متهم شخصا یا برخورداری از مساعدت حقوقی وکیل انتخابی و ارتباط محرمانه و خصوصی با وکیل برای متهم وجود دارد. در ایران نیز شرکت وکیل مدافع در جرایم مستوجب قصاص نفس، اعدام، رجم، حبس ابد اجباری و در سایر موارد اختیاری است. در ایران با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ حق استفاده از وکیل در مراحل مختلف دادرسی دچار آن چنان تغییراتی شده، که در موارد بی‌شماری منجر به تضییق و تضييع حق دفاع متهم شده است.

حق داشتن وکیل در کشف جرم

حق داشتن وکیل برای متهم از زمان کشف جرم تا اجرای حکم صادره، از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهم است. عقل و انصاف حکم می‌کند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی - به ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است، از وجود وکیل مدافع برخوردار شود. وکیل با اتکا به اطلاعات و تجارب حقوقی خود و با استفاده از ضعف ادله و قرائن ارائه شده توسط ضابطین دادگستری، دادسرا و دادگاه و شاکی خصوصی و با ارائه دفاع موجه، موجب رفع اتهامات ناروا علیه او شود. شرکت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی به طور اعم و بازجویی‌ها به نحو اخص، رافع سوءاستفاده احتمالی مأمورین انتظامی از اختیارات قانونی در خصوص جمع‌آوری ادله غیراصولی علیه متهم است. برای آنکه دولت‌ها نتوانند این امتیاز را از افراد جامعه سلب کنند، این حق به عنوان یک حق بنیادین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. براساس مفاد قسمت «ب» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود باید وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب داشته باشد». کمیته حقوق بشر سازمان ملل در توضیح قسمت اخیر اظهار داشت: «متهم باید فرصت کافی برای عقد قرارداد وکالت و مذاکرات لازم و تماس با وکیلی که برمی‌گزیند، داشته باشد». قانون آیین دادرسی کیفری سابق به طور تلویحی حق داشتن وکیل را در ماده ۲۵ و تبصره ماده ۱۱۲ مورد شناسایی قرار داده بود؛ اما ضابطین دادگستری را مکلف به رعایت این حق دفاع متهم نکرده بود. قانونگذار در سال ۱۳۷۸ با ایجاد تغییرات اساسی در مقررات سابق و نسخ ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و عدم جایگزینی ماده قانونی مناسبی برای آن حق داشتن وکیل مدافع را به عنوان یکی از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم نادیده گرفت. محرومیت از برخورداری از اطلاعات و آگاهی‌های قانونی و حقوقی وکیل مدافع در مرحله حساسی همچون مرحله کشف جرم که ضابطین دادگستری دارای اختیارات وسیعی هستند نه تنها ناقض تضمین پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در بهره‌مندی متهم از حق داشتن وکیل مدافع است، نوعی باز گذاشتن راه سوءاستفاده ماموران از اختیارات خود در جمع‌آوری دلایل غیراصولی علیه متهم ناآگاه و بی‌اطلاع از موازین قانونی و حقوقی است. این خلأ قانونی در مواردی که متهم به دلیل عدم آشنایی با قوانین و مقررات مبادرت به اظهارات ناسنجیده می‌کند، بیش از پیش احساس می‌شود.

حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

حق داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است و فلسفه وجودی این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی از آنجا ناشی می‌شود که متهم در دفاع از خود در مقابل مقام تحقیق‌کننده که آشنا به مسائل حقوقی و قوانین است، بتواند از کمک افراد آگاه و متخصص برخوردار باشد تا بین او و مقام تحقیق به لحاظ اطلاعات و تجارب حقوقی و استفاده موثر از قانون، توازن برقرار شود. حضور وکیل مدافع نه تنها به لحاظ اطلاع و آگاهی از موازین قانونی و حقوقی در دفاع از اتهام انتسابی به متهم مفید است، بلکه باب هرگونه سوءاستفاده فراقانونی را از ضابطین دادگستری و قضات در جمع‌آوری دلایل غیرحقوقی و غیرقانونی سلب می‌کند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مراجع رسیدگی‌کننده را موظف می‌کند که حق داشتن وکیل را به متهم اعلام دارند و وکیل مدافع متهم را در مراحل مختلف رسیدگی بپذیرند و مدافعات او را استماع کنند و در صورت عدم توانایی مالی متهم، برای او وکیل رایگان تعیین کنند. بدین منظور در بند ۳ ماده ۱۴ چنین تصریح شده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل، حداقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت... ب - وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد. در محاکمه حاضر شود و شخصا یا به وسیله وکیل منتخب خویش از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا کند از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت». بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به طور ضمنی این حق را برای متهم به عنوان یکی از تضمینات لازم دفاع به حساب آورده است. این ماده اعلام می‌دارد: «هر کس که به بزهکاری متهم باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز شود». قانون اساسی ایران در اصل ۳۵ مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود» ملاحظه می‌شود که قانون اساسی در اصل مذکور به اسناد بین‌المللی در زمینه حق داشتن وکیل پایبند است. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ در مقام بیان ضمانت اجرای کیفری برای متخلف از این اصل برآمده است و برای مرتکب برحسب مورد انفعال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی و محکومیت به حبس از شش ماه تا سه سال تعیین کرده است. مع‌الوصف مقنن در سال ۱۳۷۸ با تصویب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری گامی مغایر با قانون اساسی و موازین حقوق بشر در زمینه حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. ماده فوق‌الاشعار مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود. تبصره - در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود». ملاحظه می‌شود در مرحله تحقیقات مقدماتی حق داشتن وکیل به عنوان حقی از حقوق دفاعی متهم به موجب تبصره ماده ۱۲۸ قانون مزبور تضييع شده است. محرومیت متهم از حق داشتن وکیل در مرحله تحقیق به واسطه محرمانه بودن و موارد دیگر مندرج در ماده فوق‌الاشعار مغایرت آشکار با اطلاق و عموم

اصل ۳۵ قانون اساسی ایران دارد که جای هیچ گونه توجیهی را باقی نمی‌گذارد. در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب دامنه حق دفاع متهم محدود شده و از سیاق ماده مزبور برداشت می‌شود که وکیل متهم حق مداخله در امر تحقیقات مقدماتی را نداشته و فقط پس از پایان تحقیقات هرگونه مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام می‌کند. به رغم اینکه قانونگذار صریحاً به حق دفاع متهم توجه داشته و با درج عبارت «دفاع از متهم» معترض این مطلب شده است، اما در نهایت حق دفاعی متهم را نادیده انگاشته است و با وضع تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر نقض آشکار این تضمین حقوق دفاعی متهم، موجبات وقوع استبداد قضایی و خودرأیی قاضی را نیز فراهم آورده است. داشتن وکیل مدافع تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم است و به هیچ وجه نمی‌تواند موجب محرمانه بودن موضوع باشد، حتی اگر محرمانه بودن موضوع جهت جلوگیری از اشاعه فساد یا اخلال در نظم عمومی لازم باشد، نمی‌تواند به موارد خاص اطلاق شود، چون یک امر کلی است که قابل تعمیم به تمام موارد متعدد است. وجود چنین احتمالی حق داشتن وکیل را در تمام موارد نقض می‌کند و با اصل ۳۵ قانون اساسی و تضمینات ناظر بر حق دفاعی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مغایر است. واژه فساد دارای معانی متعدد است، اما مقنن ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص آن ارائه نکرده است، بلکه تشخیص این موضوع را به سلیقه قضات واگذار کرده است. این در حالی است که با توجه به معانی متعدد فساد هر قاضی می‌تواند به سلیقه خود معنایی از آن را مورد استناد خود قرار دهد و موجب نقض حق دفاع متهم در برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع در مرحله حساسی همچون تحقیقات مقدماتی شود. موضوع قسمت سوم تبصره یاد شده به موجب مواد ۴۹۸ تا ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور اختصاص یافته است که اکثر جرایم علیه امنیت کشور آمیخته با جرایم سیاسی است. محروم کردن متهم در این گونه جرایم از معاضدت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، صدمات و لطامات جبران‌ناپذیری به حقوق دفاعی او وارد می‌سازد. چنین اقدامی از سوی قانونگذار در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به معنی خلع سلاح کردن متهم از تدارک دفاع مناسب و پذیرش مجرمیت او است. از سوی دیگر، قانونگذار تکلیفی برای قاضی در توجیه دلایل خود در زمینه هر یک از موضوعات تبصره مزبور تعیین نکرده است و فقط قائل به تشخیص قاضی شده است. در حالی که با عنایت به مفهوم وسیع فساد و محرمانه بودن موضوع و وجود معانی متعدد و اختلاف نظر در تعریف آنها و عدم ارائه ملاک و ضابطه معین و منطقی از سوی قانونگذار - به خصوص در جرایم علیه امنیت کشور - در تبصره ماده ۱۲۸ قانون ۱۳۷۸ و پذیرش حق تشخیص قاضی در هر یک از موارد فوق نوعی استبداد و خودرأیی قضایی ایجاد می‌شود و صدمات و لطامات جبران‌ناپذیری به حقوق دفاعی متهم در این مرحله حساس دادرسی جزایی وارد می‌شود و او را از یکی از اساسی‌ترین تصمیمات دفاعی (حق داشتن وکیل) محروم می‌کند. چنین ضراری برای متهمی که هنوز اتهام او به اثبات نرسیده، غیرقابل توجیه است.

به طور کلی می‌توان اشکال حق استفاده از خدمات وکیل یا مشاور حقوقی را به صورت زیر مطرح کرد:
امکان انتخاب و تعیین وکیل توسط متهم از همان ابتدای شکل‌گیری پرونده کیفری.

در صورتی که متهم توان مالی انتخاب وکیل را ندارد، در جرایم مهم، وکیل تسخیری برای او انتخاب می‌شود و در جرایم کم‌اهمیت‌تر نیز در صورت درخواست متهم ناتوان، عنداللزوم وکیل معاضدتی برای او انتخاب می‌شود و یا امکانی فراهم گردد که متهم بتواند از مشاوره حقوقی رایگان بهره‌مند شود.

به وکیل اعم از تعیینی، تسخیری و انتخابی، امکان مطالعه و رونوشت‌برداری از پرونده داده شود ولو این که پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد.

چنانچه متهم بازداشت‌شده در خواست کند، ملاقات او با وکیلش به صورت محرمانه و دور از دید دیگران انجام شود.

ب: لزوم رعایت حق داشتن وکیل و ارتباط آن با حقوق شهروندی

یکی از تضمین‌های اساسی به منظور تحقق حق دفاع متهم و اعمال اصل برابری سلاح میان طرفین دعوا، بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع در مراحل تحقیقات مقدماتی می‌باشد. اصول ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی به لزوم حقوق طرفین دعوا توجه دارد. اصل ۳۵ اشعار می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند؛ باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

قانونگذار سابق در تبصره ذیل ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، در سه مورد حضور وکیل در مرحله تحقیق را استثناء نموده و آن را منوط به تجویز دادگاه دانسته است. لکن قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در تصویب قانون جدید بسیاری

از اشکالات قانون سابق را اصلاح نمود و در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، حقوق دفاعی متهم را لحاظ نموده است، که مقرر دارد: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد، این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کسب حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند، اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود».

در قانون سابق (۱۳۷۸)، وکیل دادگستری تحت شرایطی حق حضور فیزیکی در تحقیقات را داشت و حق اظهار نظر و دخالت نداشت مگر پس از پایان تحقیقات در حالی که می‌دانیم که وکیل بدون مطالعه و بررسی اتهام موکل، نمی‌داند چه دلایلی علیه موکلش در پرونده موجود است. فقط می‌شنود که به موکلش می‌گویند: اتهام شما... است. اظهارات خود را بیان نمایید! و در پایان رسیدگی اگر مقام رسیدگی کننده صلاح دانست اظهارات وکیل متهم را نیز می‌نویسد. متهم و وکیلش چه بگویند؟ کدام دلیل را قبول یا رد کند؟ کدام شاهد را جرح کنند؟ ادعای جعل کدام سند را نمایند...؟

این اشکالات در قانون جدید اصلاح شد و بیش از ۸۰ بار واژه وکیل در قانون جدید ذکر شده است که این امر نشان از توجه ویژه قانونگذار به ضرورت مداخله وکیل در فرایند دادرسی است. در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی شده است. به طوریکه متهم از مرحله تحت نظر ضابطان تا انتهای تحقیقات مقدماتی حق برخورداری از وکیل را دارد. (مواد ۴۸ و ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲)

همچنان که پیش از این گذشت، در قانون سابق و تبصره ماده ۱۲۸ قانونگذار مقرر می‌داشت: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

لکن تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نیز محدودیت‌هایی را لحاظ نموده است. تبصره مقرر می‌دارد: «اگر شخص به علت ارتکاب یکی از جرایم سازمان‌یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد». بند الف ماده ۳۰۲، جرایم موجب سلب حیات و بند ب جرایم موجب حبس ابد و بند پ جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن است. در تبصره مذکور؛ اولاً، جرایمی را که وکیل دارای محدودیت است دامنه شمول بسیاری از جرایم را دربرمی‌گیرد، از سویی این جرایم از جرایم مهم هستند و نقش و دخالت وکیل دادگستری نسبت به سایر جرایم بیشتر احساس می‌شود. ثانیاً، مدت محرومیت متهم از ملاقات با وکیل، یک هفته است که به نظر می‌رسد مدت طولانی است.

به هر حال، قانون سابق، اصل را به نوعی بر عدم مداخله وکیل قرار داده بود و حضور وکیل را در جرایم خاصی منوط به اجازه دادگاه می‌دانست. لکن طبق قانون جدید، اصل بر حضور و مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی است مگر در جرایم خاصی و در مدت یک هفته.

۴-۲- حق لزوم اطلاع از موضوع و دلایل اتهام

تفهیم اتهام، تبیین و تشریح جرم ارتكابی و پیامدهای قانونی آن به متهم است به نحوی که از موقعیت قضایی و حقوقی تکالیف خود به طور کامل مطلع شود. در این زمینه دست‌اندرکاران دادگستری و انتظامی وظایفی دارند که رعایت آنها در راستای احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندان، وظیفه کادر اجرایی عدالت کیفری است. آگاهی از موضوع و دلایل اتهام یکی از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی‌های کیفری به شمار می‌رود. تقریباً تمام اسناد حقوق بشری چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای بر شناسایی چنین حقی یعنی اطلاع از دلایلی که علیه اشخاص ضمن دستگیری، جلب، بازداشت و سرانجام محکومیت آنان اقامه شده مهر تأیید نهاده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری نیز با تصریح به این حق متهمان، تکالیفی برای مقامات انتظامی و قضایی مقرر نموده که با توسل به شیوه‌های خاص اطلاع‌رسانی همچون تفهیم اتهام، ابلاغ احضاریه و آگاهی در جرایم درصدد اجابت آن است.

در حقوق ایران با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی متأثر از نظام تفتیشی، برگزار می‌شود و طبق ماده ۱۹۰ قانون ۱۳۹۰ متهم یا وکیل او پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت رسیدگی توسط دادگاه، می‌تواند از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کند، تصریح به

تفهیم دلیل اتهام در مرحله تحقیقاتی اعم از ابتدایی و مقدماتی، محل تامل است. هر چند تفهیم مزبور مقبول بوده و از مولفه‌های دادرسی منصفانه می‌باشد. طبق ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی بهره‌مند شود. در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری هم آمده است متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد مربوطه باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

پس از تفهیم اتهام شخصی که قبلاً بر اساس اصل برائت، بی‌گناه محسوب می‌شده از این پس مخاطب دستگاه قضایی و دادستان قرار می‌گیرد و در واقع فرآیند دادرسی نسبت به وی آغاز می‌شود. نسبت دادن اتهام به فرد، موضوعاتی نظیر ضرورت توجه به حقوق و تکالیف متهم، وظایف مقامات قضایی در برابر متهم و وظایف نیروی انتظامی در برابر متهم دربر خواهد داشت. حقوق متهم یکی از اهم مسائلی است که از دیرباز مورد توجه نظام‌های حقوقی جهان بوده است. حتی یکی از مهم‌ترین دلایل تدوین آیین دادرسی را توجه به حقوق متهم می‌دانند؛ چون بلافاصله پس از تفهیم اتهام، فرد وضعیت جدیدی را از دیدگاه قضایی پیدا می‌کند. بنابراین باید حقوق وی به صورت روشن تعریف شود (لطفی، ۱۳۷۹).

۴-۳- حق مصونیت از الزام به بازجویی (حق سکوت)

درباره مفهوم حق سکوت، اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی معتقدند اصطلاح حق سکوت بیانگر مجموعه‌ای از حقوق است که در مراحل گوناگونی از فرآیند عدالت کیفری مطرح می‌شوند که عبارتند از: ۱- مصونیتی عام که همه اشخاص در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسش‌های ارائه شده توسط دیگران دارند؛ ۲- مصونیتی عام که همه اشخاص در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسش‌هایی دارند که پاسخ به آنها باعث مجرم قلمداد شدن ایشان می‌شود؛ ۳- مصونیتی خاص که همه اشخاص مضمون به ارتکاب جرم، هنگام بازجویی توسط افسران پلیس و سایر افرادی که از چنان اقتداری برخوردارند، در برابر مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به هر نوع پرسشی دارند؛ ۴- مصونیتی خاص که متهمان تحت محاکمه در برابر اجبار به ارائه مدارک و مجبور شدن ناشی از رنج مجازات به منظور پاسخگویی به پرسش‌هایی که آنها را در جایگاه متهم قرار می‌دهد، دارند؛ ۵- مصونیتی خاص که افراد متهم شده به جرایم جنایی از ناحیه پلیس در برابر اجبار به پاسخگویی به پرسش‌های اساسی ناظر بر جرم‌نسبت داده شده به آنها از سوی افسران پلیس و دیگر افرادی که از چنان اقتداری برخوردار هستند، دارند؛ ۶- مصونیتی خاص که متهمان تحت محاکمه در برابر برداشته‌های نامطلوب از استنکاف ایشان در پاسخگویی به پرسش‌های طرح شده قبل از محاکمه و یا ارائه مدارک حین محاکمه دارند (ملکی، ۱۳۷۵). تدقیق در تعریف مزبور مشخص می‌کند که حق سکوت را بر حسب «موضوع پرسش»، «وضعیت پرسش کننده» و «وضعیت پرسش شونده» دسته‌بندی کرده‌اند.

رویه قضایی کشورها در خصوص این که حقوق دفاعی متهم در این مرحله چگونه تأمین شود، بسیار متفاوت است. کشورهایی که قوانین کیفری خود را با اصول مقررات پیشرفته جهانی و بین‌المللی تطبیق داده‌اند، طبیعی است که حقوق و امتیازات بیشتری را در جهت رعایت حقوق دفاعی متهم در این مرحله پیش‌بینی کرده‌اند. تکلیف ضابطین و مقامات قضایی به اعلام حق سکوت، به عنوان یکی از دستاوردهای حقوق بشری و قرآنی نوین از آثار اصل برائت در هزاره سوم است. در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، حق سکوت متهم به روشنی مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ ولی برخی از حقوقدانان از مفاد ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ چنین استنباط کرده‌اند که متهم حق سکوت دارد (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶، ۶۹). براساس ماده مذکور: «چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود». مستنبط از ماده مذکور آن است که در صورت امتناع متهم از پاسخ دادن، مقام قضایی فقط می‌تواند مراتب را در صورت جلسه قید کند و حق ندارد شخص را به پاسخ دادن الزام کند. در برخی از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، آلمان و سوریه، قانونگذار مقام قضایی را مکلف کرده است که حق سکوت متهم را به وی اعلام کند (آشوری، ۱۳۷۶، ۱۴۶). همانند چنین تکلیفی در مقررات کنونی کشور ما مشاهده نمی‌شود؛ چندان که در ماده ۱۹۷ ق.آ.دک ۱۳۹۲ حق سکوت متهم مورد توجه قرار گرفته، چنین آمده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود».

این قانون بدون توجه ودقت کافی به بحث‌های حقوق بشری و لزوم رعایت هرچه بیشتر حقوق دفاعی در مرحله تحقیقات مقدماتی، تحدیدات جدی را در مورد حقوق دفاعی متهم به وجود آورده است و فقط در حد اشاره به این که «...در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود» اکتفاء کرده است، بدون این که الزامی برای ضابطین و مقامات قضایی مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم

در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی به وجود آورده باشد. لذا ضابطین و مقام‌های قضایی در این مرحله، الزامی به اعلام حق سکوت به متهم ندارند و از انجام دادن چنین تکلیفی معاف شناخته شده‌اند.

۴-۴- رعایت حق حریم خصوصی متهم در تحقیقات مقدماتی

حریم خصوصی، قلمروئی از زندگی هر شخص است که آن شخص انتظار دارد تا در آن محدوده مورد تعرض قرار نگیرد. بر این اساس چهار مصداق به شرح ذیل برای این حق قابل شناسایی است: حریم خصوصی اماکن و اشیاء، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات. اگر چه حق بر حریم خصوصی یکی از حقوق و آزادی‌های اساسی شناخته شده برای انسان است اما باید توجه داشت که به غیر از حقوق بنیادین مانند حق زندگی کردن، مقید نبودن سایر حقوق و غیر قابل تعرض بودن مطلقشان، امری ناممکن و نشدنی است. حقوق و آزادی‌های فردی می‌توانند در تعارض با حقوق و آزادی‌های سایرین، مصالح جامعه و یا نظم عمومی قرار گیرند. لذا در عین حال که دولت‌ها به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی متعهدند، همواره در وضع قوانین مربوطه علاوه بر تضمین این حقوق، نظم عمومی و منافع عامه و در کل مصلحت جامعه را نیز در نظر داشته و مورد جواز تحدید این حقوق و آزادی‌ها را نیز پیش‌بینی می‌نماید. مرحله تحقیقات مقدماتی از جمله حوزه‌هایی است که هر یک از چهار مصداق حریم خصوصی ممکن است در جریان آن مورد تعرض قرار گیرند و به همین علت وضع قواعدی که دامنه اینگونه تعرضات را محدود سازد ضرورت دارد.

الف: رعایت حریم خصوصی جسمانی و روانی

اسرار مربوط به تمامیت جسمانی افراد بیشتر جنبه پزشکی دارند. برای مثال، ممکن است فردی به بیماری‌ای مبتلا باشد که مایل به اطلاع دیگران از آن نباشد. به خصوص اگر بیماری مزبور در فرهنگ حاکم بر جامعه وجهه خوبی نداشته باشد و افراد جامعه تعبیرات منفی درباره آن داشته باشند. برای مثال، در جامعه ایرانی اگر فردی مبتلا به بیماری ایدز باشد در درجه اول افراد فکر می‌کنند که از طریق برقراری ارتباط جنسی از راه غیر قانونی ایجاد شده است.

«انسان دارای حیات دوگانه مادی و معنوی است: حیات مادی در جسم او خلاصه می‌شود؛ اما حیات معنوی در مبانی فکری و عاطفی او در ابعاد فردی و اجتماعی به طور وسیع و گسترده قرار دارد، به گونه‌ای که او را از حیوانات جدا می‌سازد انسان خردمند، نسبت به حیات معنوی خود تا آن حد حساس است که برای حفظ و مراقبت از آن حتی ممکن است جان و مال خود را به مخاطره اندازد.» (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۴۳-۱۴۹). طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت و جان اشخاص از تعرض مصون است. مباحث مربوط به تمامیت جسمانی را در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم. یکی از موارد حریم خصوصی انسان، حریم جان و بدن وی است. در مورد معاینه بدن (که به خصوص در جرایم جنسی، بحث حریم خصوصی مربوط به مخفی‌ترین نقاط بدن مطرح می‌شود) ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک مقرراتی پیش‌بینی کرده و مقرر داشته است: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند...». ولی در مورد بازرسی و تفتیش بدنی مقررات خاصی در قانون مزبور دیده نمی‌شود. چیزی که در عمل بسیار شایع است و پلیس آن را بدون احساس کوچک‌ترین محدودیتی انجام می‌دهد.

ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک فقط از تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء آن هم در مواردی که حسب دلایل ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد صحبت می‌کند و هیچ اشاره‌ای به جواز بازرسی و تفتیش تن نمی‌کند و از هیچ یک از مواد دیگر قانون مزبور نیز این جواز استنباط نمی‌شود. بازرسی و تفتیش نه تنها به وسیله پلیس در خیابان‌ها و کلانتری‌ها صورت می‌گیرد، بلکه در ادارات دولتی نیز معمولاً موقع ورود به تفتیش و بازرسی بدنی و وسایل همراه می‌پردازد.

ب: رعایت حریم مسکن یا منزل متهم

یکی از مهم‌ترین اقدامات قضایی در جمع‌آوری دلایل، کشف و ضبط اشیاء، اموال و وسیله جرم و یا وسایل از جرم تحصیل شده، تفتیش و تفحص منزل و سایر مکان‌هایی است که مرتکب جرم از آن‌ها برای پنهان کردن وسایل مزبور استفاده می‌کند. این اقدامات، امکان انجام همه مشاهدات مفید را برای بازپرس فراهم می‌کند. در تفتیش منزل باید بین حقوق افراد (اصل مصونیت مسکن) از یک سو و حقوق جامعه (اصل

کشف حقیقت) از سوی دیگر توازن برقرار کرد. در خصوص رعایت حقوق افراد، اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «حیثت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». بدین ترتیب ورود قهری به منزل افراد از سوی افراد عادی و همچنین ماموران و مقامات غیر قضایی ممنوع و متجاوزان به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون تعزیرات (ماده ۶۹۴) خواهند رسید. با وجود این، مصونیت مسکن شهروندان، نباید مانع از کشف حقیقت - که از اصول راهبردی ناظر به حمایت از جامعه است - در مورد ارتکاب جرم شده و موجب سوءاستفاده بزهکاران شود. بر همین اساس، قانون‌گذاران کشورهای مختلف، استثنایی به اصل مذکور وارد کرده و تحت شرایط خاصی ورود به منزل اشخاص در صورت ضرورت را پذیرفته‌اند. این امر موضوع مواد ۹۱-۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ قرار گرفته بود. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز با عنوان «تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم»، مواد ۹۶ تا ۱۰۳ را به این موضوع مهم اختصاص داده است و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در مواد ۱۳۷ تا ۱۴۵ به این امر پرداخته است و ضمن صراحت بر تفتیش منزل و محل کار اشخاص به این موضوع نیز پرداخته است؛ چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامن باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد (ماده ۱۳۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به آن که قانون آیین دادرسی کیفری تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است، اما باید به این نکته توجه داشت که در مرحله تحت نظر ضابطان دادگستری پس از تحت نظر قرار دادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده‌اند. پیش‌بینی این حقوق بدون وجود ساز و کارهای لازم می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا به ویژه ضابطان در پی داشته باشد. زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صورت جلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر از قبیل شرکا و معاونین منع نمی‌کند، ضابطان در انجام تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبه رو می‌شوند. در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز، وکیل متهم حق دخالت فعال دارد و از حق دسترسی به پرونده کیفری به همراه موکل خود در تمامی مدت مرحله تحقیقات مقدماتی بهره‌مند شده است. هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر رعایت حقوق افراد بزه دیده در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور سنتی مدت‌ها این توازن را به سود حقوق جامعه بر هم زده است. از سوی دیگر برخی تحولات کشورهای دیگر که به توافقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاح‌ها میان طرف‌های دعوا در این مرحله انجامیده است مورد نظر قانون‌گذار قرار نگرفته است. به عنوان مثال در موارد رد درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می‌کند باز پرس به صدور قرار مستدل که بتوان در مرجع بالاتر به آن اعتراض کرد ملزم نشده است.

بر همین اساس باید گفت که موفقیت در اجرای مقررات جدید نیازمند پاره‌ای از موانع و مشکلات است. زیرا که نخست قانون‌گذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به ویژه نظام حقوقی فرانسه استفاده کرده در حالی که استفاده از مطالعات مقایسه‌ای سبب چالش‌های فراوانی می‌شود. در واقع باید گفت که آیین دادرسی کیفری ترجمان فرهنگ یک کشور است و نمی‌توان یک نهاد خارجی را به طور کام وارد نظام حقوقی یک کشور کرد بلکه باید به پاره‌ای از تجربه‌های سایر کشورها رجوع کرد. دوم، جامعه عمل پوشاندن به نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی برای انتخاب وکیل ندارند، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط و آموزش ضابطان با هدف آشنا ساختن آنها با نوآوری‌های قانون جدید شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است. قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بدون تردید گام‌های مهمی را در راستای حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است و این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست که به موجب آن کنش‌گران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تامین حقوق دفاعی متهمان مکلف شده‌اند و در واقع نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری به ویژه تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این قانون شده است.

مراجع

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۴، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
 - ۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، ۱۳۷۶، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
 - ۳- زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، ۱۳۸۸، چاپ اول، تهران، نشر دانش‌پذیر.
 - ۴- لطفی خاچکی، سیروس، اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران، ۱۳۷۹، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکزی.
 - ۵- ملکی، رضا، اصل برائت و اعمال آن در حقوق موضوعه کیفری ایران، ۱۳۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد واحد مرکز.
 - ۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، ۱۳۹۳، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۷- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ساقیان، محمدمهدی، اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)، ۱۳۸۵، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.

Civil rights in the process of preliminary investigation at criminal procedure law 92

Shideh Amirzadehfard^{1*}, Mostafa Pakniat²

1. Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University Kish International Unit, Department of Law, Kish, Iran (*shideh_amirzadeh@yahoo.com*)

2. Lecturer of Islamic Azad University, Kish International Branch (*mostafapakniat@gmail.com*)

Abstract

Civil rights that are essential to human society and all governments are trying to follow it, is an important indicator of the preliminary investigation, which requires special attention to the judicial authorities in the prosecution is necessary. A person who is convicted of a crime need rights that a citizen is normally benefit from it. In this regard, the criminal law in the form of criminal procedure that guarantees the rights of individuals in the judicial authorities, Has set out to create foundations that each in turn, in order to preserve the rights of the accused and respect for his release to play a significant role. Among these principles, the presumption of innocence, the principle of equality, the right to a lawyer and respect for the privacy of individuals is in the process of court. In this study, we try to examine each of these rights and principles envisaged in the Code of Criminal Procedure, Iran's approach to the rights and guarantees of the criminal policy and the prospect of civil rights position in the preliminary investigation based on the Code of Criminal Procedure 1392 explain. Thus, in the first part of this article was a general and theoretical foundations. In the second part theoretical approach to the citizen rights mentioned and the third part practical approaches to rights of citizens in the context of a preliminary investigation was discussed. Studies show that, the aim of the Criminal Procedure Code on the one hand guarantee the protection of society against crime, and the rights of the victim in the criminal handle process. Accordingly, it should be noted the success of the new regulations require obstacles and problems. Because legislation on the transformation of comparative law and its achievements, especially the French legal system has used, while the use of comparative studies would be many challenges. Second, the implementation of innovations law requires the creation of mechanisms that they have not paid sufficient attention. Thus, the Code of Criminal Procedure of 1392 is undoubtedly an important step towards rights and individual freedom and human dignity, especially at the stage of preliminary investigation has taken. These changes have nothing but respect for human rights enshrined in international instruments on human rights and the principles of the Islamic Republic's constitution.

Keywords: Citizen rights, preliminary investigation, 92 criminal procedure law.